

وحدت به معنای یکی بودن، یگانه بودن، پیوستگی آمده است. وحدت و اتحاد، امری انسانی و برخاسته از ذات و سرشت انسان است که برای رسیدن به اهداف مشترک و عمومی، در برابر مفاهیمی نظیر کثرت، پراکندگی، اختلاف، تفرقه، گروه‌گرایی و واگرایی به کار می‌رود. وحدت مسلمانان به معنای متشکل شدن مسلمانان در صفی واحد، در برابر دشمنان اسلام و اهتمام برای رسیدن به نوعی یگانگی در منافع و اهداف و تقرب در باورهای دینی، ازسوی کسانی است که به رغم اختلافات مختلف، مشترکات بسیاری دارند. در نگاه و کلام امام خمینی می‌توان دو گونه وحدت را در سطح امت اسلامی و در سطح ملی تشخیص داد. ایشان وحدت در سطح امت اسلامی را مسیر غلبه بر اختلاف‌ها، چپاولگری‌ها و عقب‌ماندگی‌ها در جهان اسلام می‌دانست و وحدت در چارچوب مرزهای ملی را نیز مانع انحطاط ملت و دولت ارزیابی می‌کرد.

سابقه
بنابر آنچه در قرآن کریم آمده، زندگی اقوام اولیه بشر، به جهت سادگی و فطری بودن، توأم با وحدت و به دور از اختلاف بوده است؛ اما با گذشت زمان و توسعه جوامع بشری، در بر سر عقاید و حق و حقوق، اختلاف‌ها و تضادها پدید آمد و در این مرحله خداوند پیامبرانی را با احکام تشریمی برای رفع اختلاف‌ها فرستاد. تاریخ دعوت به وحدت مسلمانان به بعثت پیامبر اکرم(ص) بازمی‌گردد و وحدت با نزول آیاتی بر مسلمانان تکلیف شد.

یکی از نخستین اقدامات رسول خدا(ص)، برقراری پیوند برادری بود که پس از هجرت به مدینه باعث تقویت روحیه جمعی و برادری میان مسلمانان گردید. همچنین در آغاز نظامنامه‌ای که به عنوان قانون اساسی دولت نوپای اسلامی، میان قبایل مدینه تدوین شد، از تعبیر «امت واحد» برای مسلمانان استفاده شد که از مبنای‌ترین مفاهیم سیاسی – دینی اسلام بود و چارچوب اساسی سیاست اسلامی را معین می‌کرد. پس از پیامبر(ص) نیز وحدت مسلمانان و دوری از تفرقه، نزد اهل‌بیت(ع) به صورت یک هدف دنبال شد و این راهبرد از روزهای نخستین پس از رحلت پیامبر(ص)، به‌رغم افزایش تفرقه میان مسلمانان، به صورت تلاش‌های ولی با ضعف تجربی دولت‌های مسلمان و قدرت‌نمایی علی(ع) در رویارو شدن با خلفای سه‌گانه پس از رحلت پیامبر(ص)، نشان‌دهنده عزم آن حضرت در حفظ وحدت میان مسلمانان و یکپارچگی حکومت اسلامی بود. در سالیان بعد و پس از اینکه خلافت اسلامی به عنوان حکومتی مرکزی در تمامی سرزمین‌های اسلامی گسترش یافت و تا زمانی که این حکومت، توانایی محافظت از مرزهای دنیای اسلام را داشت، فقدان وحدت در دنیای اسلام به چشم نمی‌خورد؛ ولی با ضعف تجربی دولت‌های مسلمان و قدرت‌نمایی کشورهای اروپایی در برابر مسلمانان و فروپاشی امپراتوری عثمانی، بار دیگر مسئله وحدت مسلمانان اهمیت خود را بازیافت و به تقویت این باور در میان مسلمانان منجر شد که به‌تهدیای نمی‌توانند در برابر تهاجم مغرب‌زمین مقاومت کنند؛ همچنین مسلمانان دریافتند برای به دست آوردن اقتدار و قدرت پیشین، باید به گذشته پرافتخار و اجرای تعالیم اسلام تمسک جویند. مصلحتی‌چون سیدجمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبید، عبدالرحمان کواکبی، سلطان عبدالحمید دوم، محمد نراقی کمال و رشید رضا، از پیشروان این راه بودند. علمای شیعه و سنی، همچون آیت‌الله سیدحسین طباطبایی روبرجری، از مراجع تقلید بزرگ شیعه و محدود شلثوت (رئیس‌الزاهر و مفتی اعظم مصر) نیز پیگیر وحدت و لزوم همکاری و همدلی امت اسلامی بوده‌اند که نتیجه این تلاش‌ها تشکیل دارالتقرب بود. در همین راستا در سال ۱۳۴۸، سازمان همکاری اسلامی با هدف ایجاد همکاری و تفاهم اسلامی و استحکام پیوندهای برادری و دوستی میان کشورهای مسلمان تأسیس شد.

خاستگاه و ضرورت وحدت مسلمانان

وحدت در میان امت اسلامی، دارای خاستگاه مشترکی

امام خمینی و ضرورت وحدت و همگرایی مسلمانان

است که می‌توان آن را به صورت کلی در سه عنوان عقل، قرآن و سنت بررسی کرد.
عقل، به لحاظ عقلی، بشر نه تنها برای بقای حیات جمعی، بلکه برای برخورداری از یک زندگی مطلوب چاره‌ای جز پای‌بندی به حفظ انسجام و وحدت ندارد؛ بنابراین عقل و خرد بشر همواره بر ضرورت وجود وحدت در اجتماعات انسانی تأکید می‌کند. در این خصوص ایجاد و حفظ وحدت در جامعه مسلمانان برای مقابله با تهدیدات مشترک و استفاده از فرصت‌های گوناگون مشترک نیز یک ضرورت عقلی به نظر می‌رسد.

قرآن کریم، قرآن وحدت اسلامی را امری ضروری می‌داند و بر تحقق عینی و خارجی وحدت میان جامعه اسلامی «اِنَّ هَذِهِ اُمَّتُكُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً» به عنوان امری وجودی و نه صرفاً تشریمی و اعتباری تأکید می‌کند تا مسلمانان در اداره سرنوشت خود از خطی واحد و مشترک پیروی کنند و خود مسلمانان تکلیف شد.

*قرآن وحدت اسلامی را امری ضروری می‌داند و بر تحقق عینی و خارجی وحدت میان جامعه اسلامی «اِنَّ هَذِهِ اُمَّتُكُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً»، به عنوان امری وجودی و نه صرفاً تشریعی و اعتباری تأکید می‌کند

را مسئول سرنوشت مشترک خویش بدانند این تأکیدها تا جایی است که می‌توان گفت اسلام بر دویابه یکتاپرستی و یکپارچگی استوار گردیده‌است. قرآن کریم که محکم‌ترین سند اسلام است، امت واحد اسلامی را متشکل از مردمی نمونه و الگو می‌داند که بر گرد ایمان به خدا جمع شده‌اند؛ اتحاد و همدلی را از سمت‌های می‌داند که به سبب پذیرش اسلام و رسالت پیامبر اکرم (ص)، به جامعه اسلامی هدیه شده‌است. گروه‌گروه‌شدن مسلمانان نیز از نظر قرآن، هم‌تراز با عذاب الهی است و پیامد آن چندینین معلم تلخ جنگ و سختی است. آیه ۱۰۳ سوره آل عمران «وَ اتَّخِمْوْا بِحٰیِلِ اللّٰهِ حِمْیِمْا وَ لَا تَقْرَبُوا» ضمن دعوت مسلمانان به اتحاد با تألیف میان قلوب خود، مجزئه اجتماعی دین اسلام را یادآور می‌شود که طی مدت کوتاهی نتوانست از طوایف پراکنده و کینه‌توز، ملتی واحد، برادر و متحد بسازد. قرآن ضمن اشاره به ضرورت وجود کسانی در جامعه برای دعوت امت به خیر، مسلمانان را از تفرقه برحذر داشته، نتیجه این تفرقه را عذاب الهی می‌داند و حسن تفاهم، وحدت و اتفاق میان مسلمانان را مبدأ همه خیرها و اختلاف و جدایی به هر عنوانی را از همه زشتی‌ها زشت‌تر می‌شمرد؛ البته تذکر و توجه قرآن کریم به وحدت صرفاً متوجه مسلمانان نیست، بلکه در مواردی از وحدت با اهل کتاب نیز سخن به میان آورده‌است.

سنت، دستوره‌های صریح الهی و توصیه‌های پایایی پیامبر

اکرم(ص) و اهل‌بیت(ع) بر حفظ اتحاد و برهیز از تفرق و دودستگی، جایگاه والا و منحصر به فرد وحدت را در آیین اسلام مشخص می‌سازد. پیامبر (ص) که بنیانگذار وحدت در جامعه اسلامی است، وحدت و اتفاق را رحمت الهی و تفرقه بدی می‌داند؛

یکم آن که شخصیت و ویژگی‌های ممتاز روحی نهفته در وجود اسوه‌ها، الگو و قابل پیروی هستند، نه صفات و ویژگی‌های جسمی. دوم آن که، اسوه‌ها از جنس بشرند، نه فرشته. فرشتگان الگو دلیل آن که فاقد بعد مادی و قوای نفسانی هستند نمی‌توانند الگوی موجودی باشند که افزون بر بعد روحی و معنوی، دارای بعد مادی و قوای مختلف نفسانی است. فرشتگان به لحاظ آفرینش قادر بر انجام معصیت نیستند، چنین موجودی نمی‌تواند الگوی انسانی شود که با اراده و اختیار خویش می‌تواند گناه کند، چنان که می‌تواند از



*امام خمینی وحدت در سطح امت اسلامی را مسیر غلبه بر اختلاف‌ها، چپاولگری‌ها و عقب‌ماندگی‌ها در جهان اسلام می‌دانست

جدایی را موجب عذاب شمرده و یاری و همراهی الهی و نیز سعادت و بهشت برین را در اتحاد و همراهی با جماعت و یکپارچگی استوار گردیده‌است. قرآن کریم که محکم‌ترین سند اسلام است، امت واحد اسلامی را متشکل از مردمی نمونه و الگو می‌داند که بر گرد ایمان به خدا جمع شده‌اند؛ اتحاد و همدلی را از سمت‌های می‌داند که به سبب پذیرش اسلام و رسالت پیامبر اکرم (ص)، به جامعه اسلامی هدیه شده‌است. گروه‌گروه‌شدن مسلمانان نیز از نظر قرآن، هم‌تراز با عذاب الهی است و پیامد آن چندینین معلم تلخ جنگ و وجود کسانی در جامعه برای دعوت امت به خیر، مسلمانان را از تفرقه برحذر داشته و حفظ سلامت و اساس اسلام و امور مسلمانان را بر هر امر دیگری حتی خلافت مسلمانان واجب‌تر دانسته. تأکید بر بررسی است. از نگاه ایشان رمز پیروزی و نجات فلسطین از چنگال صهیونیست‌ها، ایجاد و حفظ وحدت در میان صفوف دولت‌های اسلامی است و بزرگی و سیادت مسلمانان در جهان، تنها در صورت وحدت آنان با یکدیگر ممکن می‌شود.

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، مسئله وحدت مسلمانان و دولت‌های اسلامی بود. ایشان همواره از اختلافات دولت‌های اسلامی و شکاف در میان مسلمانان نگران بود و فکر وحدت

خوزه دوره سوم – ۶۹۹

امام خمینی و همگرایی مسلمانان

راضیه مهراپی

وحدت عملی میان مسلمانان را تمسک به آموزه‌های دین مبین اسلام معرفی کند؛ از این‌رو برای علمای اسلام نقش تمیین‌کننده و ویژه‌ای قائل بود. ایشان با توصیه به تمامی مسلمانان از آنان می‌خواست برای دستیابی به وحدت، ضمن طرد عناصر تفرقه‌افکن، با خویشنت‌داری از اختلافات جزئی و موسمی گذشته، فداکاری و خدمت به جامعه اسلامی را در سرلوحه کار خود قرار دهند.

اصلاح خمینی نتیجه وحدت مسلمانان را استقلال عمل کشورهای مسلمان در مقابل بیگانگان، قطع دست استعمارگران از منافع و ذخایر ملت‌های اسلامی و پیشرفت همه‌جانبه برمی‌شمرد و هشدار می‌داد تفرقه در میان مسلمانان، حاصلی جز عقب‌ماندگی تاریخی، ضایع‌شدن حقوق و تحقیر مسلمانان در سطح جهان، تلذوم سلطه و زورگویی قدرت‌های استعماری نخواهد داشت. ایشان آرمان‌های خود را در بستر مفهوم امت اسلامی دنبال می‌کرد و معتقد بود با تشکیل امت جهانی اسلام

*از نگاه امام خمینی، دولت‌های استعماری با همکاری عمال خانن و سران سازشکار کشور های اسلامی به جنگ‌های فرقه‌ای و قومی منطقه دامن می‌زنند و انسجام اجتماعی و فکری مسلمانان را ضعیف و میان افشار مختلف اختلاف و چنندستگی ایجاد می‌کنند

با دولت بزرگ اسلامی، علاوه بر اصلاح امور مادی مسلمانان، سیر تعالی و کمال الهی آنان نیز فراهم می‌شود. ایشان اقتدار مسلمانان صدر اسلام را نشئت گرفته از وحدت و یکدلی آنان حول محور اسلام و پیامبر اکرم(ص) ارزیابی می‌کرد و در راه ایجاد وحدت بر اجرای صحیح احکام اسلامی و عمیق‌تر کردن دوستی، مودت و برادری اسلامی تأکید می‌کرد.

امام خمینی با درک و تبیین شرایط معاصر جهان اسلام، تنها راه حل مصائب و مشکلات مسلمانان را بازگشت به اسلام و جنگ‌زدن به عناصر وحدت‌بخش آن می‌شمرد و تمرکز بر اختلافات فرقه‌ای و مذهبی را مانع شکل‌گیری قدرت عظیم اسلامی و به نفع قدرت‌های تفرقه‌افکن و دشمنان واقعی اسلام می‌دانست. از نگاه ایشان عامل دستیابی به وحدت در میان امت اسلامی، تأکید بر مشترکات مسلمانان و اجتماع زیر زبای آن است که دستیابی به آن، در وهله نخست منوط به درک ضرورت آن ازسوی همه مسلمانان و ترک اختلافات فرقه‌ای است.

امام خمینی با فراتر رفتن از مرحله سخن و در وادی عمل، برخی اقدامات را برای دستیابی به وحدت در میان مسلمانان جهان نهاده‌ین ساخت. تعیین روز جهانی قدس برای اعلام همبستگی بین‌المللی مسلمانان در حمایت از مردم فلسطین، یکی از نخستین اقدامات عملی ایشان پس از پیروزی انقلاب برای ایجاد وحدت میان مسلمانان جهان بود تأیید هفته وحدت در سال ۱۳۶۰ که ازسوی آیت‌الله سیدعلی منتظری اعلام شد، اقدام دیگری بود که مورد توجه بسیاری از عالمان و اندیشمندان دو مذهب شیعه و سنی، در داخل و خارج کشور واقع شد. ایشان هفته وحدت را فرصتی برای اتحاد و همدلی مسلمان در برابر دشمنان اسلام دانست و تحقق آن را تنها راه

است. مقصود، الگوگیری از گفتارها و رفتارهایی است که تحولات

زمان و دگرگونی‌های زندگی بشر تأثیری در آنها نداشته و موجب کهنگی آنها نمی‌شود. مثلا فضیلت‌های اخلاقی در ارتباط انسان‌ها با خدای متعال، با یکدیگر، و طبیعت در اثر گذر زمان از بین نمی‌رود. اقدام گزارای خالق، ارتباط با منبع لایزال علم و قدرت

و حکمت، صداقت با یکدیگر، ایثار و فداکاری، ادای امانت، وفای به عهد و پیمان، دفاع از مظلوم، ایستادگی در برابر ظلم، و دهها نمونه از این قبیل، با تحولات زندگی بشر تغییر نمی‌کند و تبدیل به زینت آثار باقر(ع) است. پیروی از الگوها به معنای پای بندی به ارزش‌ها و وارستگی از زینت‌های اخلاقی است.

لزوم شناخت منطق گفتار الگوها

همان گونه که در مراجعه به قرآن و بهره‌گیری از تعالیم آن، به ویژه در زمینه قوانین و احکام شریعت، رعایت اصولی که در قانون‌گذاری مرسوم است، لازم می‌باشد؛ عنایت به اصولی که در

الزامات پیروی از الگوهای متعدد

سید جواد ورعی

فهم و درک سخنان پیشوایانی که همگی الگو و اسوه ما هستند، و در اصطلاح اهل فن «اصول‌لفظیه» نام دارد، مانند عام و خاص بودن، مطلق یا مقید بودن، ناخس و منسوخ بودن، حکم کلی یا جزئی بودن، قضیه حقیقیه یا خارجیّه بودن ضروری است. چنان که در امر قانون‌گذاری عرفی در هر کشوری، انواع قانون به معنای عام آن مثل قانون اساسی، قانون عادی، مقررات و آیین‌نامه داریم و در آن‌ها اصل و ماده و تبصره و الحاقیه و مانند آن مطرح است. در فهم و درک سخنان پیشوایان متعدد دینی هم سخن عام، خاص، مطلق، مقید، ناخس، سخن کلی و شخصی داریم و بدون تشخیص و تمییز آن‌ها نمی‌توان به سخنان آنان تمسک کرد؛ زیرا بسا یا یکدیگر تعارض داشته و ما قادر به انتخاب از میان آن‌ها و تشخیص تکلیف خود در تبعیت از آنان نباشیم. دانشمندان و متفکران اسلامی دانش علم اصول را برای درک درست آیات و روایات که منبع شناخت مفار و احکام اسلامند، تأسیس کرده‌اند و در طول قرون متمادّی مثل هر دانش دیگری تحول‌های مکرّری یافته است.

لزوم شناخت منطق رفتار الگوها

همگی الگوها ما هستند، بدون شناخت منطق فهم رفتار آنان ممکن نیست. در همان دانش اصول، سنت را «گفتار، رفتار و تقریر معصوم به معنای تأیید یک سخن یا رفتار با سکوت» معنا کرده‌اند. با توجه به این که رفتار شخص زبان ندارد، و در اصطلاح اجمال دارد، و بر خلاف گفتار، به راحتی قابل درک و پیروی نیست، بدون شناخت منطق رفتار، نمی‌توان بدان استناد کرد. هر کسی می‌تواند متناسب با روحيات، ویژگی‌های شخصیتی، خواست و میل شخصی خود رفتار کند و یک اسام را پنهان رفتار خود قرار داده و مدعی پیروی از او باشد. آن که دارای ویژگی شجاعت یا تهور است، در رفتارهای خود مدعی پیروی از امام حسین(ع) شود، و دیگری که روح مسالمت آمیز دارد و ترسوست،

الشّيعه، ج ۲، ص ۲۳۴، ۳)ح که حکایت از وجود قوه شهوت در اولیای الهی دارد. فضیلت آنان به این بود که مثل دیگران غضب و شهوت انگیز علی آنها نمی‌شود. مثلا فضیلت‌های اخلاقی در ارتباط انسان‌ها با خدای متعال، با یکدیگر، و طبیعت در اثر گذر زمان از بین نمی‌رود. اقدام گزارای خالق، ارتباط با منبع لایزال علم و قدرت و حکمت، صداقت با یکدیگر، ایثار و فداکاری، ادای امانت، وفای به عهد و پیمان، دفاع از مظلوم، ایستادگی در برابر ظلم، و دهها نمونه از این قبیل، با تحولات زندگی بشر تغییر نمی‌کند و تبدیل به زینت آثار باقر(ع) است. پیروی از الگوها به معنای پای بندی به ارزش‌ها و وارستگی از زینت‌های اخلاقی است.

لزوم شناخت منطق گفتار الگوها

همان گونه که در مراجعه به قرآن و بهره‌گیری از تعالیم آن، به ویژه در زمینه قوانین و احکام شریعت، رعایت اصولی که در قانون‌گذاری مرسوم است، لازم می‌باشد؛ عنایت به اصولی که در

الزامات پیروی از الگوهای متعدد

سید جواد ورعی

شخصیت‌های صدر اسلام که قرن‌ها از زمان شان می‌گذرد، می‌توانند برای انسان‌ها در زندگی امروزی که همراه با رشد و پیشرفت شگفت انگیز علم و فناوری و روش‌های مدرن زندگی است، الگو باشند؟ آیا نباید برای بشر امروزی الگوهای جدید شناسایی کرد؟ پاسخ به این پرسش به روش‌شدن معنا و مفهوم اسوه بودن بستگی دارد؟ اگر منظور از اسوه بودن شخصیت‌ها این بود که در همه ابعاد زندگی و حتی در ابزارها و روش‌ها هم از آنان پیروی کنیم، اشکال وارد بود. ولی آیا مقصود از اسوه بودن پیامبران و اولیای الهی این است که ما در زندگی خود از همان ابزارها و روش‌های آن دوران زندگی کنیم؟ مثلا برای عبور و مرور از همان مرکب‌ها استفاده کنیم و به طور کلی تمدن جدید را کنار بگذاریم؟ مقصود از الگو بودن آنان این معنا و مفهوم از الگو نیست. آنچه به شرایط مقتضیات زمان وکمان عصر آنان مربوط می‌شود، خارج از قلمرو الگوگیری است؛ چون این معنا و مفهوم از الگوگیری مساوی با کناربماندن علم و تمدن بشری و محصول قرن‌ها تلاش و مجاهدت دانشمندان علوم مختلف است. در مکتب اسلام به ویژه تشیع و

*بدون شناخت منطق گفتار و رفتار الگوها، امکان تأسی به الگوهای متعدد، با گفته‌ها و رفتارهای متفاوت ممکن نیست

تعالیم پیامبر و اهل‌بیت آن حضرت، نه تنها چنین توصیه‌ای وجود ندارد، بلکه تلاش و مجاهدت علمی و بهره‌گیری هر چه بیشتر از مواهب طبیعت، و ثمرات علم و فناوری در جهت بهبود زندگی بشر و بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای دانش بشری مورد تأکید

حفظ کشورهای اسلامی از تعرض بیگانگان ارزیابی کرد.

اسام خمینی همچنین به ظریف‌ حج ابراهیمی برای رسیدن به وحدت نگاه ویژه‌ای داشت و در این راستا، مسئله برأت از مشرکان در موسم حج از نگاه ایشان دور نماند. ایشان معتقد بود وحدت نیازمند تبلیغ است و مرکز و پایگاه این تبلیغ مکه مکرمه و موسم حج است. ایشان حج را فرصتی مناسب می‌دید که مسلمانان به بیان مضللات جهان اسلام بپردازند، تا همدلی و وحدت در چارچوب این کنگره عظیم ایجاد گردد؛ همچنان‌که ایشان برای تحقق عملی وحدت میان شیعیان و اهل تسنن، در مراسم حج بر شرکت حاجیان ایرانی در نماز جماعت اهل سنت و تبعیت از حکم قاضیان مکه درباره زمان عبد قربان و دو وقوف حتی اگر به نادرست‌بودن این حکم یقین داشته باشند، تأکید می‌کرد و خروج از مسجدالحرام و مسجدالنبی(ص) به هنگام اقامه نماز را جایز نمی‌دانست و بر جواز سجده بر فرش‌های مسجدالحرام و جایزنبودن استفاده از مهر در آن مکان فتوا داد. ایشان در وصیت‌نامه خود تشکیل یک دولت بزرگ اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل را به عنوان یک راهکار نهایی مطرح ساخته است؛ دولتی که مسلمانان جهان با تحقق آن می‌توانند مستکبران جهان را به جای خود نشانند و همه مستضعفان را به امانت و وراثت زمین برسانند.

در دیدگاه اسام خمینی، در کنار توجه به وحدت امت اسلامی، به مقوله دعوت اسلامی نیز توجه شده‌است. توجه ایشان به مستضعفان جهان، حکایات از گستره افق نگاه ایشان به مقوله وحدت است. از نظر ایشان مستضعفان جهان، مخاطبان بالقوه پیام جهانی اسلام‌اند و اگر اسلام به صورت صحیح به آنان معرفی شود، با آغوش باز از آن استقبال خواهند کرد و به این ترتیب دایره امت اسلام نیز گسترش خواهد یافت و به آرمان اصلی‌ تر و بنیادی‌ تر که همان وحدت عالم، تحت لوی اسلام است، نزدیک خواهد شد.

آسیب‌ها و موانع وحدت
وحدت نیز مانند همه اهداف عالی انسانی، افت‌ها و موانعی دارد و رسیدن به وحدت بدون از میان‌بردن موانع آن، دشوار است. امام خمینی در درجه نخست غفلت و دوری مسلمانان از اسلام اصیل را مهم‌ترین آسیب وحدت می‌دانست. به عقیده ایشان، نبود درک درست از اسلام و گمان به انحصار آن در احکام عبادی و دعاها و غرق‌شدن در عقاید باطل و خرافات و برجسته‌کردن موارد اختلاف‌انگیز میان فرقه‌های مذهبی، ازسوی دشمنان، زمینه‌ساز نابودی اسلام بود. در این نگرش، زمامداران فاسد و جاهلطلب نیز یکی از موانع عمده وحدت محسوب می‌شوند. از نظر امام خمینی بیشتر زمامداران کشورهای اسلامی، یا از حقایق دین بی‌خبرند یا دست‌نشانده استعمارند؛ در نتیجه به‌آسانی در خدمت استعمارگران قرار می‌گیرند و به جای تأکید بر منافع مسلمانان، متمرکز برخواستنه‌ها و امیال شخصی خود بوده و همچ‌چون عامل تفرقه، عمل می‌کنند.

از سوی دیگر، استعمار و قدرت‌های استکباری از مهم‌ترین عوامل خارجی تفرقه در جهان اسلام محسوب می‌شوند. از نگاه امام خمینی، دولت‌های استعماری با همکاری عمال خانن و سران سازشکار کشورهای اسلامی به جنگ‌های فرقه‌ای و قومی منطقه دامن می‌زنند و انسجام اجتماعی و فکری مسلمانان را ضعیف و میان ایشان مختلف همچون روشنفکر، تحصیل‌کردگان، روحانیان و دیگر طبقات، اختلاف و چنندستگی ایجاد می‌کنند. به اعتقاد ایشان یکی از ابزارهای غرب برای ایجاد این چنندستگی، تزویج قوم‌گرایی و ملی‌گرایی بر مبنای وابستگی‌های زئادی است و دولت‌های استعماری به دلیل ترس از وحدت مسلمانان، با برنامه‌ریزی و توطئه، به ایجاد تفرقه میان مسلمانان اقدام می‌کنند این خواسته را با استفاده از تبلیغات گسترده در میان توده‌های پیگیری می‌کنند. ایشان مرز و قومیت و گروه را در چارچوب جامعه اسلامی بی‌معنا می‌دانست و معتقد بود ایجاد اختلافات مذهبی در جامعه اسلامی، ازجمله جنایت‌هایی است که بدخواهان اسلام، مرتکب شده‌اند.

پیوسته از جنگ بگریزد و مدعی پیروی از امام حسن(ع) یا امامان دیگر که با حکومت‌های عصر خویش درگیر نبودند و در تقیه بسر می‌برند، شود. آن که زندگی مرفه دوست دارد، مدعی پیروی از امام صادق(ع) است. آن که خسیس یا تنبل است و نمی‌تواند زندگی مرفهی برای خود و خانواده‌اش فراهم کند، برای زندگی فقیرانه خود مدعی پیروی از امام علی(ع) شود. آن که اهل خطر کردن نیست و اهل انزوا و دوری از جماعت است و در اصطلاح امروزی درون گراست، مدعی پیروی از امام سجاد باشد و آن که بااعتاد به بی‌اصلاح برون گراست، ادعای پیروی از امام باقر(ع) را داشته باشد. خلاصه، رفتارهای متفاوت الگوها و اسوه‌ها پناه و متمسکی برای توجیه رفتار پیروان آنان شود که براساس میل و رغبت و ساختار شخصیت شان انجام می‌دهند. برای شناخت منطق رفتار آنان به چند مؤلفه مهم توجه کرد.

۱. شرایط مختلف زمانی و مکانی

یکی از الزامات درک منطق رفتار پیشوایان معصوم، توجه به شرایط زمانی و مکانی است. سبک زندگی آنان نمی‌تواند بدون توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زمانه تحلیل شود. مثلا زندگی ساده، بی‌الایش و زاهدانه پیامبر(ص) و علی(ع) کاملا متأثر از وضعیت اقتصادی مسلمانان بود. آن دو بزرگوار اگر به لحاظ شخصی هم وضع اقتصادی خوبی داشتند، نمی‌توانستند در وضعیت بد اقتصادی مسلمانان، برای خود زندگی مرفهی داشته باشند. اصل «هوسات وهمدری» با مسلمانان برای آنان یک اصل مسلم و لازم رایعابه بود. صرف نظر از جایگاه رهبری آنان، به عنوان یک مسلمان نمی‌توانستند مردم را به مواسات و همدردی با دیگران دعوت کنند،

*یکی از الزامات درک منطق رفتار پیشوایان معصوم، توجه به شرایط زمانی و مکانی است. سبک زندگی آنان نمی‌تواند بدون توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زمانه تحلیل شود

و خودشان به این اصل پای بند نباشند. چنان که تن دادن امام حسن به صلح با معاویه و واگذاری خلافت به او تحت تأثیر شرایط زمان، وضعیت سیاه امام و فرماندهان سپاه، شخصیت معاویه و سیاست‌های مززئانه و ترفندهای او در مواجهه با دیگران صورت گرفت. امام مجتبی هم درمیل غم‌خوار بود و معاویه صلح کند؛ امام حسین هم که ده سال بعد از شهادت برادرش، دوران خلافت معاویه را در کرد، به عهدنامه امام مجتبی با معاویه متعهد بود و علم مبارزه و قیام نبرداشت. نشان می‌دهد که شرایط اقتضای جهاد و مبارزه را نداشت. چنان که شرایط دوران امام باقر(ع) و امام صادق(ع) که مصادف با ضعف امویان و پایان خلافت شان و آغاز خلافت بنی عباس بود و به عبارتی جامعه اسلامی با خلأ قدرت روبرو بود، فرصتی طلایی ایجاد کرد که آن دو بزرگوار به نشتر و گسترش مرفار اسلامی، تربیت شاگردان فراوان مبادرت ورزند. دورانی که در طول تاریخ زندگی پیشوایان معصوم تکرار کرد. این شرایط کاملا متفاوت با شرایط زمان – مثلا – اسام جواد و امام هادی و امام عسکری علیهم‌السلام بود؛ لذا با سلوک و رفتار متفاوتی ازسوی آن بزرگواران روبرو هستیم.

* آیا پیروی از الگوها و پیشوایان معصوم متعدد، با گفتارها و رفتارهای متفاوت، ممکن است؟ در مواردی که میان گفتار یا رفتار آنان تعارض‌ها و تفاوت‌هایی دیده می‌شود، کدام گفتار و رفتار معیار است؟

والگوو ما هستند؛ به گونه‌ای که پیامبر خدا(ص) فرمود: «اِنَّ الحسَنَ و الحسینَ امامان قاما و قعدا» تحقیقا حسن وحسین هر دو امام اند، چه قیام و مبارزه کنند و چه از مبارزه سرباز زده وصلح نمایند؛ کدام یک از این رفتارها، معیار و ملاک زندگی ماست؟

قرآن و الگوهای متعدد

قرآن کتاب هدایت و تربیت انسان هاست. یکی از بهترین روش‌های تربیت و هدایت، «معرفی الگوهای تربیتی» است و قرآن از این روش به بهترین وجه بهره گرفته است. در همین راستا قرآن بسیاری مؤزمان الگوهای متعددی معرفی کرده‌؛ از پیامبران تا اولیا و تا انسان‌های صالح؛ بدون آن که نژاد، قبیله، حسب و نسب، رنگ پوست و مانند آن معیار باشد.

هم ابراهیم نبی و هم‌راهان او را به عنوان الگو معرفی می‌کند که رویکرد مبارزه و برأت از مشرکان و معبودان آنان را در پیش گرفته بودند «قد کان الگوهای متعددی معرفی کرده‌؛ از پیامبران تا اولیا و لقومهم اَنَّمَا بُرَّؤُوا مِنکُم و ممَّا تعبدون»(ممتحنه: ۴) هم پیامبر را «سوه حسنه» معرفی کرده، فرموده: «لقد کان لکم فی رسول‌الله اسوه حسنه لمن کان یرجو‌الله و الیوم الآخر» (احزاب: ۲۱)